

تأثیر کیفیت حسابداری بر مدیریت سود در زمان عرضه اولیه سهام

■ عسگر پاک مرام^۱

تاریخ دریافت: ۹۵/۴/۳۰

تاریخ پذیرش: ۹۵/۹/۱۰

چکیده:

مدیریت سود چتری برای فعالیت‌هایی است که بر سود حسابداری گزارش شده یا تفسیر آن‌ها اثر می‌گذارد. پژوهش حاضر به دنبال بررسی تأثیر کیفیت حسابداری بر مدیریت سود در زمان عرضه اولیه سهام به عموم در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بین سالهای ۱۳۸۳ الی ۱۳۹۲ انجام گرفت. جزء اختیاری اقلام تعهدی به عنوان شاخصی در جهت کشف مدیریت سود با مدل کوتاری (۲۰۰۵) مورد سنجش قرار گرفته است. روش پژوهش از نوع همبستگی و علی پس‌رویدادی و روش آزمون فرضیه‌ها، رگرسیون خطی چند متغیره با نوع داده‌های تلفیقی (پولد) و آزمون‌های تحلیل واریانس و آزمون تفاوت میانگین است. در این پژوهش از نرم افزارهای SPSS ۱۸، ۷ Eviews برای تحلیل و برآورد مدل‌ها و آزمون فرضیه‌های پژوهش استفاده شده است. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد شرکت‌هایی که سهام آن‌ها برای بار اول عرضه می‌شود در همان سال مدیریت سود را تجربه می‌کنند همچنین شرکت‌هایی که سهام آن‌ها برای بار اول عرضه می‌شود و توسط مؤسسات بزرگ حسابداری می‌شوند؛ در همان سال یک سطح پایین مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی را تجربه می‌کنند. و در نهایت، شرکت‌هایی که سهام آن‌ها برای بار اول عرضه می‌شود و در همان سال سطح بالایی از مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی را تجربه نموده‌اند.

کلمات کلیدی: کیفیت حسابداری، اقلام تعهدی اختیاری، مدیریت سود اقلام تعهدی

۱- مقدمه

کیفیت حسابرسی مستقل بر میزان راستی، درستی و صحت صورت‌های مالی و اطلاعات مالی تأثیرگذار است. تیتمان و ترومن^۲ کیفیت حسابرسی را میزان صحت و درستی اطلاعاتی که پس از حسابرسی در اختیار سرمایه‌گذاران قرار می‌گیرد، تعریف نموده‌اند. در تعریف دیگری، کیفیت حسابرسی را توانایی حسابرس در کشف و گزارش تحریفات با اهمیت و نیز کشف دست‌کاری انجام شده در سود خالص می‌دانند. پژوهشاتی که به بررسی تأثیر نیاز استفاده‌کنندگان به حسابرسی با کیفیت پرداخته‌اند، دارای حیطه محدودتری است. اغلب این پژوهشات در این زمینه نظریه علامت دهی و هزینه نمایندگی هستند. والاس^۳ (۱۹۸۶) تقاضا برای خدمات حسابرسی با کیفیت بالا را در چارچوب نظریه علامت دهی در عرضه اولیه سهام در بازار سرمایه مورد بررسی قرار داده است. مطالعات گوناگونی در زمینه هزینه نمایندگی و تقاضا برای حسابرسی با کیفیت بالا انجام شده است. دی فاند^۴ (۱۹۹۲) دریافت که تغییر در نوع مالکیت سازمان‌ها و تغییر در اهرم مالی به‌طور مستقیم با تغییر در کیفیت حسابرسی ارتباط دارد. مالکان عمده و اعتبار دهندگان خواهان اعمال نظارت شدیدتر بر سرمایه‌گذاری‌های خود هستند. یکی از روش‌های دستیابی به چنین هدفی، تقاضا برای حسابرسی با کیفیت بالا است. مدیران برای کاهش هزینه نمایندگی و در نتیجه عدم تعدیل حقوق و مزایا از طرف مالکان، از انگیزه کافی برای استفاده از خدمات حسابرسان مستقل برخوردار هستند. در دفاع از عامل هزینه نمایندگی در برانگیختن مدیران برای استفاده از حسابرسان شایسته و مستقل «واتز و زیمرمن»^۵ (۱۹۸۳) به شواهدی استناد کرده‌اند که بر اساس آن ۸۴ درصد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس نیویورک در سال ۱۹۲۶، یعنی سال‌ها قبل از تدوین مقررات بورس اوراق بهادار مبنی بر اجباری کردن حسابرسی، از خدمات حسابرسان مستقل استفاده می‌کردند. والاس (۱۹۸۶) استدلال می‌کند که فرضیه‌های نظارت، اطلاعات و بیمه فراهم‌کننده شواهد کافی برای استفاده مدیران از خدمات حسابرسی با کیفیت بالا است.

از سوی دیگر، عدم تقارن اطلاعات وضعیتی است که مدیران در مقایسه با سرمایه‌گذاران، دارای اطلاعات افشاء نشده بیشتری در مورد عملیات و جوانب مختلف شرکت در آینده می‌باشند. همین امر سبب می‌شود که مدیران انگیزه و فرصت مدیریت سود را داشته باشند (مهرآذین، ۱۳۹۱). از این‌رو شرکت‌های در جریان عرضه اولیه سهام به عموم (IPO) از عدم توجه سرمایه‌گذاران به ماهیت موقتی افزایش سود به واسطه مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی و یا دستکاری فعالیت‌های واقعی سوء استفاده می‌کنند و سهام را به قیمتی بیش از ارزش واقعی معامله می‌کنند (الهداب^۶ و همکاران، ۲۰۱۲).

2-Titman & Troman

3- Wallace

4- Defond

5- Watss & Zimmerman

6- Lohtab

از سوی دیگر، با توجه به این موضوع که مدیران مجبورند که ارقام تعهدی را در دوره‌های بعد برگردانند، احتمال کاهش سود این شرکت‌ها (که عموماً به دلیل عملکرد ضعیف مبادرت به مدیریت سود نموده‌اند) در دوره‌های بعد افزایش می‌یابد. زیرا، برای شرکت‌های با عملکرد ضعیف که به مدیریت سود می‌پردازند، احتمالاً جریان‌های نقدی جهت مخفی‌سازی تأثیر ارقام تعهدی برگردانده شده کافی نباشد (الهداب، ۲۰۱۲). بنابراین، انتظار می‌رود که کشف مدیریت سود مدیران شرکت در زمان عرضه اولیه سهام، در دوره‌های بعد سبب شود که سرمایه‌گذاران در برداشت خود از کیفیت آتی سود بازنگری کنند و ارزیابی خود را از این گونه شرکت‌ها که به مدیریت سود می‌پردازند، تعدیل کنند که این مساله می‌تواند در نهایت باعث کاهش قیمت و بازدهی سهام شرکت گردد (دستگیر و رستگار، ۱۳۸۹). مستفاد از گفتار فوق این پژوهش همچنین به دنبال آن است که تأثیر کیفیت حسابرسی بر مدیریت سود تعهدی در زمان عرضه اولیه سهام را بررسی نماید. بنابراین، پژوهش حاضر در پی پاسخ به سؤال زیر است: کیفیت حسابرسی بر مدیریت سود تعهدی در زمان عرضه اولیه سهام چه تاثیری دارد؟

در ادامه بخش پژوهش به بررسی مبانی نظری و پیشینه پژوهش، فرضیه‌ها، روش پژوهش، یافته‌های پژوهش و در نهایت به بحث و نتیجه‌گیری پرداخته شده است.

۲- مروری بر مبانی نظری و پیشینه تجربی مطالعه

کیفیت حسابرسی تحت عنوان ارزیابی بازار حسابرسی تعریف می‌شود «ارزیابی بازار» در واقع عبارت است از: احتمال اینکه حسابرسی هم تحریفات بااهمیت در صورت‌های مالی و یا سیستم صاحبکار را کشف کند و هم تحریف با اهمیت کشف شده را گزارش کند. احتمال این که حسابرسی موارد تحریفات با اهمیت را کشف کند، به شایستگی حسابرسی و احتمال این که حسابرسی موارد تحریفات با اهمیت کشف شده را گزارش کند، به استقلال حسابرسی ارتباط پیدا می‌کند (دی‌آنجلو، ۱۹۸۱). بنابراین، کیفیت حسابرسی از جمله مواردی است که راهگشای بسیاری از موارد خلاف می‌باشد، تیمان و ترومن (۱۹۸۶) کیفیت حسابرسی را میزان صحت و درستی اطلاعاتی تعریف می‌کنند که پس از حسابرسی در اختیار سرمایه‌گذاران قرار می‌گیرد. این تعریف مشابه تعریف پالمروس از کیفیت حسابرسی است. دیویدسون و نیو (۱۹۹۳) کیفیت حسابرسی را توانایی حسابرسی در کشف و گزارش تحریفات با اهمیت و نیز کشف دستکاری انجام شده در سود خالص می‌دانند.

محققین اعتقاد دارند که شرکت‌ها سطح معینی از خدمات حسابرسی را درخواست می‌کنند که بستگی به میزان نزدیکی و همسویی منافع مالکیت و مدیریت دارد. آن‌ها سعی در پیدا نمودن رابطه بین متغیرهای خاصی دارند که بر مسائل نمایندگی و نحوه انتخاب موسسه حسابرسی تأثیر می‌گذارد. براساس فرضیه آن‌ها شرکت‌هایی که انگیزه بیشتری برای متعهد نشان دادن خود در قبال

هرگونه سوء استفاده دارند، معمولاً مؤسسات حسابداری بزرگ‌تر و مشهورتر را انتخاب می‌کنند (زارعی مروج، ۱۳۸۴، ص ۳۷). شرکت‌هایی که انگیزه بیشتری برای انتشار اطلاعات حسابداری گمراه کننده دارد، احتمال بیشتری دارد که حسابرس خود را از بین مؤسسات بزرگ حسابداری انتخاب نمایند (فرانسیس و ویلسون^۸، ۱۹۸۸). حسابداری می‌تواند یکی از راه‌های جلوگیری و کاهش مدیریت سود باشد. زیرا اعتقاد بر این است، شرکت‌هایی که صورت‌های مالی حسابداری شده ارائه کنند دارای محتوای اطلاعاتی و سود با کیفیت بیشتری هستند. اقلام تعهدی وابسته به قضاوت‌های مدیران است و حسابداری شرکت‌هایی که اقلام تعهدی بیشتری دارند، نیز دشوارتر است. حسابداری با کیفیت بالاتر، با احتمال بیش تری عملکردهای حسابداری مورد تردید را کشف می‌کند. زیرا موسسه‌های حسابداری با کیفیت دارای تخصص، منابع و انگیزه‌های بیش تری برای کشف اشتباه و تقلب هستند (جنین و پیوت^۹، ۲۰۰۵).

مؤسسات حسابداری در حال توسعه دامنه خدمات غیرحسابداری به صاحب کاران خود نیز هستند. عده ای معتقدند که بسیاری از مؤسسات حسابداری، متقبل زیان می‌شوند به این امید که بتوانند در آینده قراردادهای مشاوره ای پرسود با صاحبکاران خود منعقد کنند. این شرایط، فشار قابل توجهی بر حسابرسان به خصوص در رده مدیر و شریک موسسه برای حفظ و گردش کسب و کار وارد می‌آورد و به دنبال آن این نگرانی افزایش می‌یابد که فشارهای اقتصادی برای حفظ روابط خوب تجاری با صاحبکاران، بی طرفی و استقلال حسابرس را زیر سؤال می‌برد. اما برای کاهش تردید در خصوص استقلال حفاظت‌هایی همانند بررسی هم پیشگان و روش‌های کنترل کیفیت در مؤسسات حسابداری، انجام می‌پذیرد (وینسی و باربارا^{۱۰}، ۲۰۰۱).

مدیریت سود عبارت است از یک دستکاری آگاهانه و فعال در نتایج حسابداری به منظور ایجاد تغییر در نشان دادن وضعیت تجاری واحد اقتصادی می‌باشد (سولمون و همکاران^{۱۱}، ۲۰۰۳). سود حسابداری براساس مبنای تعهدی شناسایی می‌شود. معمولاً استفاده از مبنای تعهدی موجب متفاوت شدن میزان سود عملیاتی گزارش شده با خالص جریان‌های نقدی حاصل از عملیات و گزارش یکسری اقلام تعهدی در صورت‌های مالی می‌شود قسمتی از سود حسابداری نقدی می‌باشد. یعنی وجه نقد حاصل از عملیات شرکت (جریان وجه نقد) در داخل این سود قرار دارد، و قسمتی از آن را اقلام تعهدی تشکیل می‌دهند (ثقفی وهاشمی، ۱۳۸۳، ص ۶۸).

مدیریت سود به عنوان فرآیند برداشتن گام‌های آگاهانه در محدوده اصول پذیرفته شده حسابداری جهت آوردن سود گزارش شده به سطح سود مورد نظر تعریف شده است. اگر چه مدیریت سود در ادبیات حسابداری پیشنهاد شده، ولی قطعیت نیافته است. عمل نزدیک کردن سود گزارش شده به سطح سود هدف از طریق دست کاری انجام می‌گردد. یکی از اهداف دست کاری سود، هموارسازی

8- Francis and Wilson

9- Janin and Piot

10- Vinci and Barbara

11- Solomon et al

سود می‌باشد. لذا هموارسازی سود را می‌توان بخشی از مدیریت سود دانست. به دلیل انعطاف در انتخاب روش‌های حسابداری، مدیریت می‌تواند به‌طور سیستماتیک روی سود گزارش از سالی به سال دیگر جهت هموارسازی سود تأثیر گذارد. لذا هموارسازی سود، نوسانات سال به سال سود را با انتقال سود از سال‌های اوج به سال‌های نزول تعدیل می‌کند (علامه حایری، ۱۳۷۹). مانند هر عرصه یا صحنه پژوهشی حسابداری دیگر، اتفاق نظر و اجماع در خصوص یک نظریه یگانه برای تبیین و پیش‌بینی مدیریت سود وجود ندارد، با این حال، مرور ادبیات دانشگاهی مدیریت سود حاکی از سلطه یک نظریه، نظریه شرکت، در میان نظریه‌های رقیب است (رانن و یاری، ۲۰۰۸).

مدیریت سود زمانی رخ می‌دهد که مدیران از قضاوت‌های شخصی خود در گزارشگری مالی استفاده کنند و ساختار معاملات را جهت تغییر گزارشگری مالی دست‌کاری نمایند. این هدف یا به قصد گمراه کردن برخی از صاحبان سهام در خصوص عملکرد اقتصادی شرکت یا تأثیر بر نتایج قراردادهایی است که انعقاد آن‌ها منوط به دستیابی به سود شخصی است (هیلی و واهلن، ۱۹۹۹). از آن‌جا که مدیریت سود به‌طور مستقیم قابل اندازه‌گیری نیست، ادبیات مدیریت سود چند روش برآورد کننده مدیریت سود بالقوه را پیشنهاد می‌کنند. این روش‌ها شامل روش ارقام تعهدی اختیاری، روش ارقام تعهدی یگانه، روش جمع ارقام تعهدی و تغییرات حسابداری و روش توزیعی است. (مهرآذین، نوروش و نیکومرام، ۱۳۸۷).

جهانی شدن با توسعه و پویایی بازار و در عین حال افزایش بی ثباتی و درجه بالاتری شک و تردید در سطح شرکت‌های بزرگ همراه بوده است. هم چنین رسوایی‌های مالی اخیر در سطح جهان، نگرانی‌هایی را در رابطه با قابلیت اتکای صورت‌های مالی ایجاد کرده است. این رسوایی‌ها و پیامدهای پس از آن، دلیل اصلی برای توجه بیشتر به کیفیت صورت‌های مالی است. علاوه بر این، فشار بحران‌های مالی بر بسیاری از کشورهای جهان در سال‌های اخیر، تقاضا برای حسابرسی با کیفیت بالا را افزایش داده است (زوریگات^{۱۳}، ۲۰۱۱). کمرن، پرینسیت و ترامبتا^{۱۴} (۲۰۰۸) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که ساعات صرف شده برای حسابرسی صاحب کار با ارقام تعهدی اختیاری و مدیریت سود رابطه منفی دارد. همچنین بورستالر و دیگران^{۱۵} (۲۰۰۴) نیز تأثیر کیفیت حسابرسی بر مدیریت سود در شرکت‌های خصوصی را بررسی کردند و نتیجه گرفتند که کیفیت حسابرسی با مدیریت سود در شرکت‌های خصوصی رابطه معکوس دارد.

هدف حسابرسان، حفاظت از منافع سهامداران در مقابل تحریفات و اشتباهات با اهمیت موجود در صورت‌های مالی است. حسابرسان به منظور حفظ اعتبار حرفه، شهرت حرفه‌ای خود و اجتناب از دعاوی قضایی علیه خود، به دنبال افزایش کیفیت حسابرسی هستند در این میان انگیزه‌های مدیران در جهت اعمال منافع شخصی خود در کیفیت سود، مانع از رسیدن حسابرسان به اهداف

12- ranen and yari

13-Zureigat

14-Cameran, Prenceipe and Trombetta

15- Burgstahler and Others

خود می‌شوند. در مقابل حسابرسان می‌توانند با افزایش کیفیت حسابرسی، مدیریت سود صورت گرفته توسط مدیران را کشف کرده و مدیران را در اعمال مدیریت سود در تنگنا قرار دهند. آن، ژو و لی (۲۰۱۳) به بررسی نقش مدیریت سود در تأمین مالی از طریق بدهی در شرکت پرداختند. بنابر نتایج این پژوهش مدیران شرکت‌ها با استفاده از دستکاری سود و در واقع مدیریت کردن سود و قرار دادن آن در سطح مورد نظر، سعی در انتقال اطلاعاتی گزینش شده به سرمایه‌گذاران و ذی‌نفعان دارند تا با استفاده از آن به هدف خود در تأمین مالی دست یابند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد شرکت‌های با مدیریت سود بیشتر، اهرم مالی بالاتری دارند. همچنین ریچل آنگ (۲۰۱۱) در پژوهشی تأثیر بخش ۴۰۴ قانون ساربنز آکسلی بر مدیریت سود را مورد بررسی قرار داد. یافته‌های این پژوهش بیان می‌نماید مداخله قانون از طریق پیاده سازی قانون ساربنز آکسلی میزان مدیریت سود اعمال شده را کاهش داده است.

مورهادی (۲۰۰۹) در پژوهشی به بررسی رابطه بین حاکمیت شرکتی مطلوب و مدیریت سود پرداخت. نتایج این پژوهش بیان می‌نماید زمانی که مدیران اجرایی، هم زمان رئیس هیئت مدیره نیز هستند احتمال اتفاق افتادن مدیریت سود افزایش می‌یابد. همچنین وجود نظارت توسط سهامداران باعث کاهش میزان مدیریت سود می‌شود. لو (۲۰۰۸) در پژوهشی به ارتباط بین مدیریت سود و کیفیت سود پرداخته است. نتایج این پژوهش بیان می‌نماید شرکت‌هایی که به مدیریت سود پرداخته‌اند، کیفیت سود نامطلوبی داشته‌اند. اما شرکت‌هایی که به مدیریت سود نپرداخته‌اند الزاماً کیفیت سود خوبی نداشته‌اند، زیرا کیفیت سود تحت تأثیر عوامل متعددی قرار دارد.

کم لای و دیگران (۲۰۰۸) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که شرکت‌هایی که تحت حسابرسی مؤسسات بزرگ قرار می‌گیرند، اقلام تعهدی کمتری نسبت به بقیه شرکت‌ها نشان می‌دهند که این موضوع به خاطر شناخته شده‌تر بودن نام تجاری حسابرس آن‌هاست. همچنین جال و دیگران (۲۰۰۷) در مالزی با توجه به بررسی اقلام تعهدی اختیاری شرکت‌های حسابرسی شونده به این نتیجه رسیدند که مؤسسات حسابرسی بزرگ نسبت به سایر مؤسسات کنترل و صلاحیت بیشتری دارند.

لین (۲۰۰۶) در پژوهشی تأثیر وجود کمیته حسابرسی بر مدیریت سود را مورد بررسی قرار داد. نتایج پژوهش از رابطه معکوس بین این دو متغیر دلالت داشت؛ به این معنی که کمیته حسابرسی می‌تواند باعث کاهش میزان مدیریت سود انجام شده توسط مدیران گردد. پژوهشات انجام شده توسط کلین (۲۰۰۲) و جاگی و لیونگ (۲۰۰۷) نیز به نتایجی مشابه پژوهش لین یافته است. لوئیس هنکوک (۲۰۰۵) با بررسی رابطه اندازه موسسه حسابرسی و کیفیت حسابرسی مشخص کرد که مؤسسات حسابرسی بزرگ‌تر معمولاً خدمات بهتری را نسبت به مؤسسات کوچک‌تر ارائه می‌دهند. اما مواردی هم یافت شد که مؤسسات حسابرسی کوچک‌تر مشاوره بهتری را به صاحبکاران خود ارائه می‌دهند. مینگ (۲۰۰۷) دریافت که ده شرکت حسابرسی بزرگ در چین باعث کاهش مدیریت سود به طور فزاینده می‌شوند. همچنین وی دریافت که دعوت از مؤسسات حسابرسی

کوچک‌تر برای انجام حسابرسی نسبت به قبل، ممکن است نشانه‌ای از کیفیت پایین سود باشد. کریشنان (۲۰۰۳) سود را به سه بخش وجه نقد ناشی از فعالیت‌های عملیاتی، اقلام تعهدی غیر اختیاری و اقلام تعهدی اختیاری تقسیم نمود و به این نتیجه دست یافت که ارتباط میان اقلام تعهدی اختیاری و بازده سهام در شرکت‌هایی که توسط ۶ بزرگ حسابرسی می‌شوند از شرکت‌هایی که توسط سایر مؤسسات حسابرسی می‌شوند، قوی‌تر است.

۳- فرضیه‌های پژوهش

با توجه به مبانی نظری و پیشینه پژوهش دو فرضیه مطرح شده است:
فرضیه اول: شرکت‌هایی که سهام آن‌ها برای بار اول عرضه می‌شود در همان سال مدیریت سود را تجربه می‌کنند.
فرضیه دوم: شرکت‌هایی که سهام آن‌ها برای بار اول عرضه می‌شود و توسط مؤسسات بزرگ حسابرسی می‌شوند؛ در همان سال یک سطح پایین مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی را تجربه می‌کنند.

۴- جامعه و نمونه آماری پژوهش

جامعه آماری این پژوهش شامل تمامی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. به علت گستردگی حجم جامعه آماری و وجود برخی نا هماهنگی‌ها میان اعضای جامعه، شرایط زیر برای انتخاب نمونه آماری قرار داده شده و از این رو نمونه آماری به روش حذف سیستماتیک انتخاب می‌شود. شرایط یاد شده عبارت‌اند از:
✓ سال مالی شرکت‌ها منتهی به پایان اسفند ماه هر سال باشد.
✓ شرکت‌هایی که طی سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۲، توقف فعالیت نداشته و دوره مالی خود را تغییر نداده باشند.
✓ معاملات سهام شرکت‌ها به طور مداوم در بورس اوراق بهادار تهران صورت گرفته باشد و توقف معاملاتی بیش از ۴ ماه در مورد سهام یاد شده اتفاق نیفتاده باشد.
✓ اطلاعات مورد نیاز در این پژوهش از شرکت‌ها در دسترس باشد.
✓ شرکت‌هایی که از ابتدای سال ۱۳۸۳ عرضه اولیه سهام داشتند.
✓ با توجه به شرایط فوق تعداد نمونه آماری این پژوهش ۵۲ شرکت می‌باشد.

۵- روش گردآوری اطلاعات و داده‌های پژوهش

جهت گردآوری اطلاعات در خصوص بررسی ادبیات موضوع پژوهش از روش کتابخانه‌ای و مطالعات اسنادی استفاده شده است و برای دستیابی به اطلاعات مورد نیاز برای پردازش فرضیه‌های پژوهش از مجلات و سالنامه‌های انتشارات سازمان بورس اوراق بهادار تهران و گزارش‌های سالانه و اطلاعات موجود در نرم افزار شرکت تدبیر پرداز و ره آورد نوین و دیگر نرم افزارهای مربوطه و بررسی

صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران با مراجعه به کتابخانه سازمان بورس محقق گردیده است. ابزارگردآوری اطلاعات در این تحقیق بانک‌های اطلاعاتی و اطلاعات استخراج شده از بورس اوراق بهادار و پایان نامه‌ها و مقالات خارجی و داخلی و منابع اینترنتی معتبر می‌باشد.

۶- تعریف عملیاتی متغیرها و مدل رگرسیونی فرضیه‌ها

به دلیل اهمیت و کاربرد فراوان روش ارقام تعهدی اختیاری در این مقاله از این روش استفاده شده است که در زیر به تشریح آن پرداخته می‌شود:

روش ارقام تعهدی اختیاری فرض می‌کند مدیران برای مدیریت سود اساساً به اختیارات خود در خصوص ارقام تعهدی حسابداری تکیه می‌کنند. ارقام تعهدی شامل ارقام تعهدی اختیاری و غیراختیاری می‌باشد، درحالی که ارقام تعهدی غیراختیاری به واسطه مقررات، سازمان‌ها و دیگر عوامل خارجی محدود هستند، ارقام تعهدی اختیاری، قابل اعمال نظر توسط مدیریت هستند. بنابراین جزء اختیاری ارقام تعهدی به عنوان شاخصی در جهت کشف مدیریت سود در واحدهای تجاری، در مطالعات حسابداری به کار گرفته شده است. جهت این مرزبندی از مدل جونز (۱۹۹۱) و مدل تعدیل شد جونز (کوتاری و همکاران ۲۰۰۵) استفاده می‌شود. با توجه به قوی‌تر بودن مدل کوتاری (۲۰۰۵) بر اساس پژوهشات حسابداری در این پژوهش از این مدل بهره گرفته خواهد شد که به شرح زیر می‌باشد:

در اولین قدم ارقام تعهدی عادی توسط مدل زیر برآورد خواهد شد:

$$1) \frac{CA_{it}}{AvAsset_{it}} = \alpha_0 + \alpha_1 \left(\frac{1}{AvAsset_{it}} \right) + \alpha_2 \left(\frac{\Delta Sales_{it}}{AvAsset_{it}} \right) + \alpha_3 ROA_{it} + \varepsilon_{it}$$

در این رابطه، CA معرف مجموع ارقام تعهدی عادی (تفاوت تغییر در دارایی‌های جاری نقدی پولی و تغییر در بدهی‌های جاری عملیاتی)، $AvAsset_{it}$ میانگین مجموع کل دارایی‌ها (کل دارایی‌ها در اول دوره به علاوه کل دارایی‌ها در پایان دوره تقسیم بر ۲)، $\Delta Sales_{it}$ مجموع تغییرات درآمد (فروش) و ROA_{it} سود خالص تقسیم بر میانگین کل دارایی‌ها است. پس از تخمین پارامترهای مدل شماره (۱) از طریق مدل‌های سری زمانی و یا مقطعی، ارقام تعهدی غیراختیاری (NDA) به شرح زیر برای «دوره برآورد» محاسبه می‌شوند:

$$2) NCA_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 \left(\frac{1}{AvAsset_{it}} \right) + \alpha_2 \left(\frac{\Delta Sales_{it} - \Delta REC_{it}}{AvAsset_{it}} \right) + \alpha_3 ROA_{it}$$

که در رابطه یاد شده، REC معرف حساب‌های دریافتنی است.

در مرحله آخر، ارقام تعهدی اختیاری (DCA) به شرح زیر محاسبه می‌شوند:

$$3) DCA_{it} = \frac{CA_{it}}{AvAsset_{it}} - NCA_{it}$$

کیفیت حسابرسی: در صورتی که شرکت مورد بررسی در پژوهش توسط سازمان حسابرسی، حسابرسی شده باشد عدد یک و در صورتی که توسط سایر مؤسسات حسابرسی مورد حسابرسی قرار گرفته باشد عدد صفر به آن اختصاص داده می‌شود. مدل فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر می‌باشد:

فرضیه اول: شرکت‌هایی که سهام آن‌ها برای بار اول عرضه می‌شود در همان سال مدیریت سود را تجربه می‌کنند.

برای آزمون فرضیه فوق از آزمون مقایسه تفاوت میانگین‌های چند جامعه مستقل (ANOVA) استفاده می‌شود. همچنین به جهت بررسی دقیق تر میانگین سال پذیرش یکبار با دو سال قبل از پذیرش و یکبار نیز با سه سال بعد از پذیرش برای اولین بار از طریق آزمون مقایسه دو جامعه مستقل (آزمون T مستقل) بررسی می‌شود.

فرضیه دوم: شرکت‌هایی که سهام آن‌ها برای بار اول عرضه می‌شود و توسط مؤسسات بزرگ حسابرسی می‌شوند؛ در همان سال یک سطح پایین مدیریت سود از طریق ارقام تعهدی را تجربه می‌کنند.

$$DCA_{i,t} = C + \beta_1(Big_{i,t}) + \beta_2(Ln(MK)_{i,t}) + \beta_3(MB_{i,t}) + \beta_4(Age_{i,t}) + \beta_5(Capex_{i,t}) + \beta_6(Lev_{i,t}) + \beta_7(Loss_{i,t}) + \beta_8(ROA_{i,t}) + \beta_9(SEQ_{i,t}) + \beta_{10}(IO_{i,t}) + \varepsilon_{i,t}$$

در مدل فوق:

DCA متغیر وابسته پژوهش و شاخص مدیریت سود از طریق ارقام تعهدی می‌باشد. متغیر مستقل پژوهش Big-N است و شاخص کیفیت حسابرسی است؛ در صورتی که شرکت مورد بررسی در پژوهش توسط سازمان حسابرسی، حسابرسی شده باشد عدد یک و در صورتی که توسط سایر مؤسسات حسابرسی مورد حسابرسی قرار گرفته باشد عدد صفر به آن اختصاص داده می‌شود. برای کنترل اثر سایر متغیرهایی که ممکن است بر مدیریت سود مؤثر باشند بر اساس پژوهشات پیشین اثر متغیرهای زیر کنترل خواهد شد:

Ln(MK) متغیری است برای کنترل اندازه شرکت که به وسیله لگاریتم طبیعی ارزش بازار سهام شرکت بدست می‌آید. MB برای کنترل فرصت‌های رشد (نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام)؛ Ln (age+1) عمر شرکتی که سهامش برای بار اول پذیره نویسی می‌شود که از لگاریتم طبیعی (1+ سن) شرکت محاسبه می‌شود؛ سن شرکت نیز از تفاوت بین تشکیل شرکت و تاریخی که سهامش برای بار اول عرضه می‌شود بدست می‌آید؛ Capex-growth بیانگر رشد مخارج سرمایه‌ای است که از تفاوت مخارج سرمایه‌ای در سالی که سهام شرکت برای بار اول به فروش می‌رسد و مخارج سرمایه‌ای در سال قبل تقسیم بر جمع دارایی‌های شرکت سال قبل از فروش سهام برای بار اول محاسبه می‌شود. (Leverage) بیانگر نسبت بدهی می‌باشد دی‌فوند و جیامبالو (۱۹۹۴) نشان دادند شرکت‌هایی که که سطح بالاتری از بدهی دارند، انگیزه بالاتری

برای مدیریت سود دارند بنابراین برای کنترل عامل بدهی از اهرم مالی که از نسبت بدهی به جمع دارایی‌های شرکت بدست می‌آید بهره گرفته خواهد شد. برای کنترل عامل سودآوری از ROA استفاده خواهد شد (کوتاری و همکاران، ۲۰۰۵ و گونی، ۲۰۱۰). همچنین، رویچودھاری (۲۰۰۶) به این نتیجه رسید که شرکت‌هایی که سطح بالایی از مدیریت سود واقعی را دربر می‌گیرند از گزارش کردن زیان‌ها خودداری می‌کنند. به این سبب Loss یک متغیر مجازی است که اگر شرکتی زیان گزارش نموده باشد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر تخصیص داده می‌شود. بر اساس پژوهش کوهن و زاروین (۲۰۱۰) شرکت‌هایی که افزایش سرمایه می‌دهند در آن سال اقدام به مدیریت سود می‌کنند از این رو در این پژوهش متغیر SEO یک متغیر مجازی است و در صورتی که شرکتی در سال IPO افزایش سرمایه داشته باشد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر اختصاص داده می‌شود. همچنین، بر اساس پژوهش چانگ و کیم (۲۰۰۲) شرکت‌هایی که درصد مالکین نهادی بالاتری دارند از سطح پایین‌تری از مدیریت سود برخوردار می‌باشند. از این رو متغیر IO بیانگر درصد سهام مالکین نهادی در شرکت مورد بررسی می‌باشد.

۷ تحلیل آماری

پس از جمع آوری داده‌های آماری، جهت جمع بندی و محاسبات موردنیاز از نرم افزار Excel استفاده شده و نتایج به دست آمده از آن، در بسته نرم افزار آماری SPSS نسخه ۱۶ وارد شده و برای حصول اهداف پژوهش مورد تحلیل نهایی قرار خواهد گرفت. روش بررسی داده‌ها نیز به سال - شرکت (پانل دیتا) می‌باشد. همچنین برای تخمین و محاسبه باقیمانده‌های رگرسیون از نرم افزار اقتصادسنجی Eviews نسخه ۷ استفاده می‌شود.

۷-۱- آمار توصیفی

نتایج آمار توصیفی برخاسته از پژوهش در سطح کل شرکت‌ها در جدول ۱ نشان داده شده است.

جدول ۱: نتایج تحلیل توصیفی داده‌های پژوهش

| متغیر | علامت | تعداد مشاهدات | میانگین | انحراف معیار | کمینه | بیشینه |
|--------------------------------|--------|---------------|---------------------|--------------|--------|--------|
| اقدام تعهدی اختیاری | DCA | ۵۲ | ۰/۱۲۹ | ۰/۱۴۷ | ۰/۰۰۰ | ۰/۶۶۰ |
| اندازه شرکت | (Ln(MK | ۵۲ | ۱۴/۷۴۰ | ۲/۲۹۹ | ۹/۷۷۷ | ۱۹/۲۱۷ |
| نسبت ارزش بازار به دفتری | MB | ۵۲ | ۲/۸۶۷ | ۲/۴۶۲ | ۱/۲۴۵ | ۱۳/۳۹۱ |
| عمر شرکت | AGE | ۵۲ | ۲/۸۱۵ | ۰/۶۱۷ | ۱/۳۸۶ | ۴/۱۵۴ |
| مخارج سرمایه ای | Capex | ۵۲ | ۰/۶۰۶ | ۱/۲۱۸ | -۰/۰۰۷ | ۶/۹۸۴ |
| اهرم مالی | LEV | ۵۲ | ۰/۵۳۱ | ۰/۱۹۷ | ۰/۱۱۰ | ۰/۹۳۰ |
| نرخ بازده دارایی‌ها | ROA | ۵۲ | ۰/۱۸۱ | ۰/۱۵۷ | -۰/۲۱۳ | ۰/۷۴۹ |
| درصد مالکیت سهامداران نهادی | IO | ۵۲ | ۰/۵۶۲ | ۰/۳۲۴ | ۰/۰۴۳ | ۰/۹۶۰ |
| کیفیت حسابداری | Big | ۵۲ | سازمان حسابرسی | ۱۲ | ۲۳/۱ | |
| | | | سایر مؤسسات | ۴۰ | ۷۶/۹ | |
| زیان ده بودن شرکت | Loss | ۵۲ | زیان ده | ۲ | ۳/۸ | |
| | | | سود ده | ۵۰ | ۹۶/۲ | |
| افزایش سرمایه در سال اول پذیرش | SEO | ۵۲ | افزایش سرمایه دارد | ۱۹ | ۳۶/۵ | |
| | | | افزایش سرمایه ندارد | ۳۳ | ۶۳/۵ | |

۷-۲- نتایج آزمون فرضیه‌ها نتایج آزمون فرضیه اول:

فرضیه اول بیان می‌دارد: شرکت‌هایی که سهام آن‌ها برای بار اول عرضه می‌شود در همان سال مدیریت سود را تجربه می‌کنند.

برای بررسی فرضیه فوق ابتدا در یک دوره شش ساله شامل دو سال قبل از پذیرش، سال پذیرش و سه سال بعد از پذیرش، میانگین متغیر اقدام تعهدی اختیاری اندازه‌گیری می‌گردد. در این فرضیه به جهت اینکه داده‌های مورد نیاز دو سال قبل و سه سال بعد سال پذیرش مورد نیاز است، بازه زمانی این فرضیه از سال ۸۵ الی ۸۹ می‌باشد. انتظار بر این است که میانگین سطح این سه متغیر که نشان‌دهنده مدیریت سود (از طریق اقدام تعهدی) می‌باشد در سال پذیرش و دو سال قبل از آن نسبت به سال‌های بعد از پذیرش بیشتر باشد، همچنین سال پذیرش در دوره شش ساله بالاترین سطح میانگین را در تمام این سال‌ها به خود اختصاص دهد. برای آزمون فرضیه فوق از آزمون مقایسه تفاوت میانگین‌های چند جامعه مستقل (ANOVA) استفاده می‌شود. همچنین به جهت بررسی دقیق تر میانگین سال پذیرش یکبار با دو سال قبل از پذیرش و یکبار نیز با سه

سال بعد از پذیرش برای اولین بار از طریق آزمون مقایسه دو جامعه مستقل (آزمون T مستقل) بررسی می‌شود. نتیجه آزمون مقایسه چند جامعه مستقل (تحلیل واریانس یکطرفه) در جدول (۲) ارائه شده است.

جدول ۲: نتیجه آزمون ANOVA

| منبع تغییرات | مجموع مجزورات | درجه آزادی | میانگین مجزورات | آماره F و سطح معنی داری |
|-----------------------|---------------|------------|-----------------|-------------------------|
| بین گروه‌ها (تیمارها) | ۰/۰۷۴ | ۲ | ۰/۰۳۷ | ۴/۹۰۳ sig (۰/۰۱۰) |
| درون گروه‌ها (خطاها) | ۰/۵۶۷ | ۷۵ | ۰/۰۰۸ | |
| جمع | ۰/۶۴۱ | ۷۷ | - | |

با توجه به پایین بودن سطح معنی داری آماره F از سطح خطای مورد پذیرش در آزمون تحلیل واریانس یک طرفه، نتایج آزمون نشان می‌دهد میانگین سه جامعه (مدیریت سود دو سال قبل از پذیرش، سال پذیرش و سه سال بعد از پذیرش نخستین) با همدیگر یکسان نمی‌باشد. نتایج نشان می‌دهد میانگین سه گروه به ترتیب برابر با ۰/۰۵۲، ۰/۱۲۶ و ۰/۰۷۸ می‌باشد که سال پذیرش بیشترین میانگین مدیریت سود را دارد. بنابراین فرضیه اول پژوهش رد نمی‌شود.

برای بررسی مقایسه میانگین مدیریت سود سال پذیرش با دو سال قبل از پذیرش، فرض‌های آماری زیر بواسطه آزمون دو جامعه مستقل آزمون می‌شود و نتایج در جدول ۳ ارائه شده است. H0: مدیریت سود در دو سال قبل از پذیرش برای نخستین بار با مدیریت سود سال پذیرش برای اولین بار متفاوت نیست. H1: مدیریت سود در دو سال قبل از پذیرش برای نخستین بار با مدیریت سود سال پذیرش برای اولین بار متفاوت است.

$$\begin{cases} H_0 : \mu_1 = \mu_2 \\ H_1 : \mu_1 \neq \mu_2 \end{cases}$$

جدول ۳: نتایج آزمون تفاوت مدیریت سود در دو سال قبل از پذیرش و سال پذیرش

| آزمون تساوی میانگین دو گروه (آزمون t مستقل) | | آزمون تساوی واریانس دو گروه (آزمون لوین) | | میانگین دو گروه (مدیریت سود) | |
|---------------------------------------------|-----------|------------------------------------------|-----------|------------------------------|---------------------|
| سطح معنی داری (P-Value) | آماره (t) | سطح معنی داری (P-Value) | آماره (F) | سال پذیرش | دو سال قبل از پذیرش |
| ۰/۰۰۰ | -۴/۳۵۴ | ۰/۳۸۴ | ۰/۷۷۲ | ۰/۱۲۶ | ۰/۰۵۲ |

با توجه به نتایج آزمون مقایسه میانگین‌های دو جامعه که در جدول (۳) ارائه شده است، مقدار آماره F برابر با ۰/۷۷۲ و سطح معنی داری آن برابر با ۰/۳۸۴، بالاتر از سطح خطای مورد پذیرش می‌باشد. بنابراین فرض برابری واریانس‌های دو گروه رد نمی‌شود. سطح معنی داری آماره t با فرض تساوی واریانس‌های دو گروه برابر با ۰/۰۰۰ بوده و کمتر از سطح خطای مورد پذیرش است و نشان می‌دهد بین میانگین دو گروه تفاوت معنی داری وجود دارد. همچنین نتایج نشان می‌دهد مدیریت سود در سال پذیرش به نسبت دو سال قبل از پذیرش بیشتر است.

برای بررسی مقایسه میانگین مدیریت سود سال پذیرش با سه سال بعد از پذیرش، فرض‌های آماری زیر بواسطه آزمون دو جامعه مستقل آزمون می‌شود و نتایج در جدول ۴ ارائه شده است. H0: مدیریت سود در سه سال بعد از پذیرش برای نخستین بار با مدیریت سود سال پذیرش برای اولین بار متفاوت نیست.

H1: مدیریت سود در سه سال بعد از پذیرش برای نخستین بار با مدیریت سود سال پذیرش برای اولین بار متفاوت است.

جدول ۴: نتایج آزمون تفاوت مدیریت سود در سه سال بعد از پذیرش و سال پذیرش

| آزمون تساوی میانگین دو گروه (آزمون t مستقل) | | آزمون تساوی واریانس دو گروه (آزمون لوین) | | میانگین دو گروه (مدیریت سود) | |
|---------------------------------------------|-----------|------------------------------------------|-----------|------------------------------|---------------------|
| سطح معنی داری (P-Value) | آماره (t) | سطح معنی داری (P-Value) | آماره (F) | سال پذیرش | سه سال بعد از پذیرش |
| ۰/۰۹۱ | -۱/۷۲۲ | ۰/۳۲۷ | ۰/۹۷۸ | ۰/۱۲۶ | ۰/۰۷۸ |

با توجه به نتایج آزمون مقایسه میانگین‌های دو جامعه که در جدول (۴) ارائه شده است، مقدار آماره F برابر با ۰/۹۷۸ و سطح معنی داری آن برابر با ۰/۳۲۷، بالاتر از سطح خطای مورد پذیرش می‌باشد. بنابراین، فرض برابری واریانس‌های دو گروه رد نمی‌شود. سطح معنی داری آماره t با فرض تساوی واریانس‌های دو گروه برابر با ۰/۰۹۱ بوده و بیشتر از سطح خطای مورد پذیرش است و نشان می‌دهد بین میانگین دو گروه تفاوت معنی داری وجود ندارد. همچنین نتایج نشان می‌دهد مدیریت سود در سال پذیرش به نسبت سه سال بعد از پذیرش بیشتر است.

نتایج آزمون فرضیه دوم:

فرضیه دوم بیان می‌دارد: شرکت‌هایی که سهام آن‌ها برای بار اول عرضه می‌شود و توسط مؤسسات بزرگ حسابداری می‌شوند؛ در همان سال یک سطح پایین مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی را تجربه می‌کنند.

مدل رگرسیونی چند متغیره خطی زیر برای آزمون فرضیه فوق استفاده شده و نتایج در جدول (۵) ارائه شده است.

$$DCA_{i,t} = C + \beta_1(Big_{i,t}) + \beta_2(Ln(MK)_{i,t}) + \beta_3(MB_{i,t}) + \beta_4(Age_{i,t}) + \beta_5(Capex_{i,t}) + \beta_6(Lev_{i,t}) + \beta_7(Loss_{i,t}) + \beta_8(ROA_{i,t}) + \beta_9(SEO_{i,t}) + \beta_{10}(IO_{i,t}) + \varepsilon_{i,t}$$

جدول ۵: نتایج آزمون رگرسیون فرضیه دوم

| Prob | آماره t | ضریب Coefficient | نماد متغیر | نام متغیر |
|------------------|---------|------------------|-------------------|---------------------------------------------------------------------------|
| ۰/۰۱۷ | ۲/۴۸۹ | ۰/۳۳۴ | C | مقدار ثابت |
| ۰/۰۱۹ | -۲/۴۲۵ | -۰/۰۹۲ | ۱β (Big) | کیفیت حسابداری |
| ۰/۲۷۲ | -۱/۱۱۳ | -۰/۰۰۹ | ۲β(Ln MK) | اندازه شرکت |
| ۰/۹۴۹ | -۰/۰۶۳ | -۰/۰۰۱ | ۳β(MB) | ارزش بازار به دفتری |
| ۰/۲۷۶ | -۱/۱۰۴ | -۰/۰۲۸ | ۴β(Age) | عمر شرکت |
| ۰/۲۸۹ | -۱/۰۷۳ | -۰/۰۱۴ | ۵β(Capex) | مخارج سرمایه ای |
| ۰/۰۶۹ | -۱/۹۰۸ | -۰/۰۸۹ | ۶β(Lev) | اهرم مالی |
| ۰/۳۴۷ | ۰/۹۵۱ | ۰/۱۰۴ | ۷β(Loss) | زیان ده بودن شرکت |
| ۰/۰۰۰ | ۳/۶۶۳ | ۰/۵۶۱ | ۸β(ROA) | نرخ بازده دارایی‌ها |
| ۰/۵۷۸ | ۰/۵۶۰ | ۰/۰۱۹ | ۹β(SEO) | افزایش سرمایه |
| ۰/۰۲۷ | -۲/۲۳۷ | -۰/۰۴۱ | ۱۰β(IO) | درصد مالکیت سهامداران نهادی |
| ۵/۵۴۷ (۰/۰۰۰) | | | F آماره (Prob) | سطح معنی داری |
| ۱/۹۴۸ | | | | آماره دوربین واتسون |
| ۰/۷۷۸ (۰/۴۶۶) | | | | آزمون خود همبستگی سریالی (آزمون Breusch-Godfrey) سطح معنی داری (Prob) |
| ۰/۲۷۵ (۰/۶۰۲) | | | | آزمون ناهمسانی واریانس (آزمون ARCH) سطح معنی داری (Prob) |
| ۰/۵۷۵ ۰/۴۷۱ | | | | ضریب تعیین (R ^۲) ضریب تعیین تعدیل شده (AdjR ^۲) |

با توجه به نتایج آزمون فرضیه دوم که در جدول (۵) ارائه شده است، سطح معنی داری آماره آزمون آرچ بالاتر از سطح خطای مورد پذیرش بوده و نتایج آزمون ناهمسانی واریانس (آزمون آرچ) نشان می‌دهد ناهمسانی واریانس در مدل وجود ندارد. همچنین، نتایج آزمون ضرایب لاگرانژ (χ^2) آزمون برآش گادفری) نیز نشان می‌دهد خود همبستگی سریالی در مدل رگرسیونی وجود ندارد. آماره دوربین واتسون نیز در دامنه قابل قبول $1/5$ و $2/5$ قرار دارد، که نشان می‌دهد همبستگی بین اجزای خطای مدل وجود ندارد. سطح معنی داری آماره $F(0/000)$ کمتر از سطح خطای مورد پذیرش (۵ درصد) بوده و کل مدل رگرسیونی معنی دار است. با توجه به پایین بودن سطح احتمال (Prob.) آماره t از سطح خطای مورد پذیرش برای ضریب ۱) نتایج آزمون نشان می‌دهد، کیفیت حسابداری در سال اول پذیرش بر مدیریت سود از طریق ارقام تعهدی اختیاری تأثیر منفی و معنی داری دارد در نتیجه شرکت‌هایی که سهام آن‌ها برای بار اول عرضه می‌شود و توسط مؤسسات بزرگ حسابداری می‌شوند؛ در همان سال یک سطح پایین مدیریت سود از طریق ارقام تعهدی را تجربه می‌کنند. بنابراین، نمی‌توان فرضیه دوم پژوهش را در سطح اطمینان ۹۵٪ رد نمود. همچنین، نتایج پژوهش نشان می‌دهد از متغیرهای کنترلی وارد شده در رگرسیون، نرخ بازده دارایی‌ها بر مدیریت سود از طریق ارقام تعهدی اختیاری تأثیر مثبت و معنی داری داشته و در نقطه مقابل درصد مالکیت سهامداران نهادی تأثیر منفی و معنی داری بر مدیریت سود از طریق ارقام تعهدی اختیاری دارد. همچنین سایر متغیرهای کنترلی وارد شده در مدل تأثیر معنی داری بر متغیر وابسته ندارند. ضریب تعیین و ضریب تعیین تعدیل شده نیز نشان می‌دهد که متغیرهای مستقل و کنترلی وارد شده در مدل $57/5$ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کنند.

۸- بحث و نتیجه گیری

طبق بررسی‌های بدست آمده از آزمون فرضیه اول مبنی بر اینکه شرکت‌هایی که سهام آن‌ها برای بار اول عرضه می‌شود در همان سال مدیریت سود را تجربه می‌کنند، مشخص گردید فرضیه فوق تأیید می‌گردد؛ سرمایه‌گذاران با توجه به تنوع بسیار بالا در گزینه‌های سرمایه‌گذاری، از بین گزینه‌های مختلف اقدام به انتخاب می‌نمایند. این انتخاب براساس ویژگی‌های ریسک و بازده است. هر شخص منطقی با این هدف سرمایه‌گذاری می‌کند که بتواند بازده مناسب کسب کند. سرمایه‌گذاران برای رسیدن به برآورد یا بازده موردانتظار می‌کوشند اطلاعات لازم را از منابع مختلفی فراهم کنند و سود حسابداری نیز یکی از اطلاعات مهم است. سود حسابداری بر مبنای فرض تعهدی و در چارچوب اصول حسابداری اندازه‌گیری می‌شود و بر قابلیت اتکای ارقام گزارش شده تأکید دارد. کیفیت ارقام تعهدی به علت تأثیری که بر برداشت سرمایه‌گذاران از کیفیت سود شرکت دارد، همواره مورد توجه مدیریت است تا از طریق بهبود آن، هزینه سرمایه شرکت کاهش یابد.

تحلیل گران مالی، مدیران و سرمایه‌گذاران توجه خاصی به سودگزارش شده دارند. پیش‌بینی‌های سود به سرعت بین استفاده‌کنندگان منتشر می‌شود و هرگونه بازنگری در آن از نزدیک

دنبال می‌شود به خصوص شرکت‌هایی که سهام آن‌ها برای بار اول عرضه می‌شود بیشتر به پیش بینی‌های سود حساس هستند چون ابقای مدیران در سازمان و در مواردی بخشی از پاداش آن‌ها بر مبنای رقم سود تعیین می‌شود، لذا آنان سعی می‌کنند سطح سود مطلوب را حفظ کنند. خبر عدم موفقیت شرکت در رسیدن به بازده مورد انتظار، به سرعت باعث کاهش قیمت سهام می‌شود. شرکت‌هایی که به انتظارات خود دست می‌یابند، از طرف سرمایه‌گذاران استقبال می‌شوند. توجه بیش از حد به رقم سود خالص، باعث شده است که استفاده‌کنندگان گاهی کمتر به این نکته توجه کنند که رقم نهایی سود حاصل یک فرایند طولانی حسابداری است که در هر مرحله از آن امکان اعمال نظر توسط مدیران وجود دارد. از طرف دیگر، استانداردهای حسابداری نیز در برخی موارد به مدیران امکان می‌دهد برای زمانبندی و اندازه‌گیری درآمدها و هزینه‌ها قضاوت شخصی داشته باشند. مدیریت جهت افزایش ارزش شرکت و کاهش هزینه سرمایه، اقدام به افزایش سود گزارش شده خود از طریق مدیریت سود می‌نماید.

بخش نقدی سود به علت ماهیت ذاتی، قابلیت دست‌کاری آن ضعیف می‌باشد. بخش تعهدی سود به دو جزء اقلام تعهدی اختیاری و غیراختیاری تفکیک می‌شود، در حالی که اقلام تعهدی غیراختیاری به واسطه مقررات، سازمان‌ها و دیگر عوامل خارجی محدود هستند، اقلام تعهدی اختیاری، قابل اعمال نظر توسط مدیریت هستند بنابراین، جزء اختیاری اقلام تعهدی به عنوان شاخص در جهت کشف مدیریت سود در واحدهای تجاری در مطالعات حسابداری بکار گرفته می‌شود. به‌طور کلی، جزء تعهدی سود نسبت به جزء نقدی آن با عدم اطمینان بیشتری تعیین می‌شود، زیرا اقلام تعهدی با توجه به قضاوت‌ها، برآوردها و تخصیص‌ها (از جریان‌های نقدی ایجاد شده در دیگر دوره‌ها) به وجود می‌آیند، در حالی که جزء نقدی سود عینی‌تر است. بدین ترتیب تنها راه مدیریت جهت افزایش دادن سود گزارش شده خود، افزایش سود از طریق افزایش اقلام تعهدی اختیاری می‌باشد، بنابراین بالا بودن اقلام تعهدی اختیاری در شرکت نشان دهنده فرایند مدیریت سود می‌باشد. در پژوهش حاضر مشاهده گردید که شرکت‌هایی که سهام آن‌ها برای بار اول عرضه می‌شود در همان سال مدیریت سود را تجربه می‌کنند از این رو، نتیجه فرضیه فوق با نتایج پژوهش‌های آن، ژو و لی (۲۰۱۳) و آکسو (۲۰۰۳) همسو می‌باشد. همچنین، با توجه به تحلیل فرضیه فوق، نتایج فرضیه پژوهش حاضر با نتایج پژوهش ریچل آنگ (۲۰۱۱) مطابقت نمی‌نماید. طبق بررسی‌های بدست آمده از آزمون فرضیه دوم مبنی بر اینکه شرکت‌هایی که سهام آن‌ها برای بار اول عرضه می‌شود و توسط مؤسسات بزرگ حسابداری می‌شوند؛ در همان سال یک سطح پایین مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی را تجربه می‌کنند، مشخص گردید فرضیه فوق در شرکت‌های مورد مطالعه تأیید می‌گردد. از این رو با توجه به نتیجه فرضیه فوق می‌توان گفت مدیران شرکت‌هایی که سهام آن‌ها برای بار اول عرضه می‌شود جهت تأثیرگذاری برای سرمایه‌گذاری و خرید سهام شرکت راهکاری جز مدیریت سود ندارند همچنین، می‌توان گفت مدیران به دلایل خاصی سعی در گمراه کردن استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی دارند. به عنوان مثال اگر پاداش مدیران به عملکرد آنان بستگی داشته باشد، انگیزه مدیریت سود، به منظور دریافت

پاداش بیشتر در آنان قویتر خواهد شد. عمومی‌ترین روش‌های مورد استفاده توسط مدیران جهت مدیریت سود، تغییر روش‌های حسابداری، فروش دارایی‌ها و سرمایه گذاری‌های بلندمدت، تغییر تمامی عملیات تجاری و استفاده از حساب‌های تعهدی می‌باشد این موارد نشان دهنده عوامل صدور گزارش حسابرسی غیر مقبول (محدودیت در رسیدگی، ابهام اساسی و خصوصاً عدم توافق با مدیریت) می‌باشد. بنابراین، مدیریت سود می‌تواند یکی از عوامل مؤثر بر صدور گزارش حسابرسی غیر مقبول باشد.

توجه بیش از حد سرمایه گذاران به سود خالص، به مدیریت این انگیزه را داده است تا به منظور حفظ رشد پایدار سود، در به کارگیری استانداردهای حسابداری به صورت متهورانه‌ای عمل کنند. در این میان، برخی تلاش‌ها برای گریز از توجه صرف به رقم سود خالص، نظر استفاده کنندگان را به اقلام تشکیل دهنده سود معطوف کرده است. از این‌رو، علاوه بر سود خالص، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های آن؛ یعنی اقلام تعهدی سود نیز باید مورد توجه قرار گیرد. در پژوهش جال و دیگران (۲۰۰۷) در مالزی با توجه به بررسی اقلام تعهدی اختیاری شرکت‌های حسابرسی شونده به این نتیجه رسیدند که مؤسسات حسابرسی بزرگ نسبت به سایر مؤسسات کنترل و صلاحیت بیشتری دارند. در پژوهش حاضر مشاهده گردید که شرکت‌هایی که سهام آن‌ها برای بار اول عرضه می‌شود و توسط مؤسسات بزرگ حسابرسی می‌شوند؛ در همان سال یک سطح پایین مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی را تجربه می‌کنند از این‌رو نتیجه فرضیه فوق با نتایج پژوهش‌های مورهادی (۲۰۰۹)، جال و دیگران (۲۰۰۷) و کریشان (۲۰۰۳) همسو می‌باشد.

در پژوهش لین (۲۰۰۶) تأثیر وجود کمیته حسابرسی بر مدیریت سود مورد بررسی قرار گرفت. نتایج پژوهش از رابطه معکوس بین این دو متغیر دلالت داشت؛ به این معنی که کمیته حسابرسی می‌تواند باعث کاهش میزان مدیریت سود انجام شده توسط مدیران گردد. پژوهشات انجام شده توسط کلین (۲۰۰۲) و جاگی و لیونگ (۲۰۰۷) نیز به نتایجی مشابه پژوهش لین دست یافته است. همچنین، با توجه به تحلیل فرضیه فوق، نتایج فرضیه پژوهش حاضر با نتایج پژوهش‌های کم لای و دیگران (۲۰۰۸)، لونیس هنکوک (۲۰۰۵) و مینگ (۲۰۰۷) مطابقت نمی‌نماید.

با توجه به مباحث فوق و با در نظر گرفتن نتیجه آزمون فرضیه‌ها، پیشنهادات زیر ارائه می‌گردد: با توجه به نتیجه فرضیه اول پژوهش به سرمایه گذاران توصیه می‌شود هنگام استفاده از صورت‌های مالی جهت تصمیم‌گیری در رابطه با سرمایه گذاری در سهام شرکت‌ها یا فروش سهام به پدیده دست‌کاری سود توجه نمایند. هر چند مدیریت سود جنبه‌های مثبت و منفی دارد ولی برای کسب بازدهی می‌تواند تأثیرات با اهمیتی داشته باشد.

نتایج پژوهش نشان داد که مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی صورت می‌گیرد از این‌رو تأکید بیشتر سازمان بورس و اوراق بهادار و نیز سازمان حسابرسی به عنوان مرجع تدوین‌کننده استانداردهای حسابداری بر روی پدیده کیفیت اطلاعات حسابداری و نیز افشای اطلاعات می‌باشد؛ طبیعی است که تعیین آن بخش از اطلاعات مالی که قابلیت مدیریت و دست‌کاری بیشتری دارد و تأکید بر استانداردهایی که بیشتر در معرض این موضوع است، می‌تواند به هدف نهایی بازار سرمایه

که همانا تسهیم عادلانه به واسطه ارزیابی مناسب است، کمک نماید و رفته رفته زمینه‌های کارایی بازار سرمایه را فراهم آورد تا شاید از این طریق بتوان با شفاف سازی روند اطلاعات در بازار سرمایه و از بین بردن رانت اطلاعاتی، بازاری کارا و اثربخش ایجاد نموده و فعالان اقتصادی در این بازار را برای چرخاندن هرچه بهتر چرخه‌های اقتصادی و هدایت صحیح سرمایه‌ها و ثروت‌های ملی بسوی تولید و اشتغال که منجر به رشد و توسعه اقتصادی خواهد شد، تشویق و حمایت نمایند.

یکی از مهم‌ترین راهکارهای ارتقای کیفیت حسابداری کشور، شفافیت بیشتر از سوی حساب‌برسان و مقررات‌گذاران و همکاری آن‌ها با دانشگاهیان در هدف گذاری مشترک یعنی درک بهتر محرک‌های مختلف کیفیت حسابداری است. دسترسی دانشگاهیان به داده‌هایی که تاکنون افشاء نشده‌اند (البته در حد مقدور و با در نظر گرفتن محدودیت‌ها) و فراهم کردن بستری برای انجام پژوهشات کافی در زمینه ابعاد مختلف کیفیت حسابداری، می‌تواند زمینه ساز تحقق هدف یاد شده باشد.

مدیران به عنوان نمایندگان شرکت صاحبان سهام می‌بایست تلاش کنند تا با استفاده از مدیریت بر حساب‌برسان حرفه‌ای و تحلیل صورت‌های مالی به صورت دقیق و طبق اصول حسابداری و حسابداری هرچه بهتر شرکت را به اهداف تعالی برسانند.

با توجه به نتیجه حاصله از فرضیات پیشنهاد می‌شود که استفاده کنندگان از خدمات حساب‌برسان و صورت‌های مالی توجه داشته باشند که اندازه دستگاه حسابداری تفاوت معنی داری در کشف تحریفات با اهمیت در قوانین و مقررات ایجاد می‌کند. از این رو مؤسسات حسابداری و کیفیت حسابداری می‌تواند یکی از مواردی باشد که سرمایه‌گذاران و سهامداران بایستی در تصمیمات خود مد نظر داشته باشند.

همچنین با توجه به نقش اطلاعات شفاف، قابل اتکا و به موقع در تصمیم‌گیری و کمک به کارآتر شدن بازار سرمایه و مشارکت مردم در بازار سرمایه، پیشنهاد می‌شود؛ مسئولین امر، بستری مناسب جهت اطلاع رسانی سریع، دقیق و صحیح فراهم سازند.

تأکید می‌شود شرکت‌های جدیدالورود با دقت و طبق اصول و استانداردهای حسابداری صورت‌های مالی را تهیه و ارائه نمایند زیرا، سهامداران بر حسب صورت‌های مالی و وضعیت عملکردی و خصوصاً پیش‌بینی‌های مالی این شرکت‌ها به اخذ تصمیم مبادرت می‌نمایند. از این رو ارائه اطلاعات دقیق از طرف شرکت‌هایی که سهام آن‌ها برای بار اول عرضه می‌شود حائز اهمیت می‌باشد.

منابع:

- ۱- ثقفی، ع. و هاشمی، ع.، ۱۳۸۳، بررسی تحلیلی رابطه بین جریان‌های نقدی عملیاتی و ارقام تعهدی، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، سال یازدهم، شماره ۳۸.
- ۲- دستگیر، محسن؛ رستگار، مجید (۱۳۹۰) بررسی رابطه بین کیفیت سود (پایداری سود)، اندازه ارقام تعهدی و بازده سهام با کیفیت ارقام تعهدی» مجله پژوهش‌های حسابداری مالی، سال سوم، شماره اول، شماره پیاپی (۷)، ۱-۲۰
- ۳- زارعی مروج، کمال، (۱۳۸۴)، شناسایی عوامل مؤثر بر تغییر حسابرس در ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی، ص ۲۷.
- ۴- علامه حایری، ف.، ۱۳۷۹، بررسی میزان ارتباط بین هموارسازی سود و ثروت سهامداران، پایان نامه دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم پژوهشات تهران.
- ۵- مهرآذین، ع. نوروش، آ. نیکومرام، ه.، ۱۳۸۷، ارزیابی مدل‌های مبتنی بر ارقام تعهدی در کشف مدیریت سود، پایان نامه دکتری حسابداری، دانشگاه آزاد واحد علوم تحقیقات تهران
- ۶- والاس، واندا ای، (۱۳۸۱)، نقش اقتصادی حسابرسی در بازارهای آزاد و بازارهای تحت نظارت، ترجمه حامی امیر اصلانی، تهران، انتشارات سازمان حسابرسی.

1. Burgstahler, D., & Dichev, I. D. (1997). Earnings management to avoid earnings decreases and losses. *Journal of Accounting and Economics*, 24(1), 99-126.
2. Cohen, D. A., & Zarowin, P. (2010). Accrual-based and real earnings management activities around seasoned equity offerings. *Journal of Accounting and Economics*, 50, 219-.
3. Francis J.R. and E.R Wilson, (1988), Auditor Changes: A Joint Test of Theories Relating to Agency Costs and Auditor Differentiation, *Accounting Review*, No 63(October), pp: 663-682.
4. Gunny, K. A. (2010). The Relation Between Earnings Management Using Real Activities Manipulation and Future Performance: Evidence from Meeting Earnings Benchmarks*. *Contemporary Accounting Research*, 27, 855888-.
5. Healy, p., & Wahlen, m., 1999, A review of earning management literature and its implication for standard setting, *Accounting Horizons*, Vol. 47, pp. 365373-.
6. Kothari, S. P., Mizik, N., & Roychowdhury, S. (2012). Managing for the Moment: The Role of Real Activity versus Accruals Earnings Management in SEO Valuation. SSRN eLibrary.
7. Mohammad Alhadab • Iain Clacher • Kevin Keasey (2012). Effects of Audit Quality on Real and Accrual Earnings Management and Subsequent Return Performance: Evidence from IPOs. Electronic copy available at: <http://ssrn.com/abstract=2225409,1030>.
8. Ronen, T., and Yaari, V., 2008, On the tension between full revelation and earnings management: A reconsideration of the revelation principle, *Journal of Accounting, auditing and Finance*, Vol. 17, pp. 273294-.

9. Roychowdhury, S. (2006). Earnings management through real activities manipulation. *Journal of Accounting and Economics*, 42, 335370-.
10. Vinci Guerra. Barbara, Marie (2001). Auditor independence: an examination of the effect of self- interest threats and organization safeguards on auditor judgment. UMI proquest digital dissertation. Degree: PHD, school: Drexel university.
11. Cohen, D. A., & Zarowin, P. (2010). Accrual-based and real earnings management activities around seasoned equity offerings. *Journal of Accounting and Economics*, 50, 219-.
12. Kothari, S. P., Mizik, N., & Roychowdhury, S. (2012). Managing for the Moment: The Role of Real Activity versus Accruals Earnings Management in SEO Valuation. SSRN eLibrary.
13. Solomon, j. f., Lin. S.W., Norton, S.D. Solomon, A. (2003). "Corporate governance reform in Taiwan," *Corporate governance: An international Review*.
14. Wanda A. Wallace, (2002) «The Economic role of the audit in free and regulated markets» □ «Accounting & auditing Standards' Directorate, page 69.
15. DeFond, M. L., & Jiambalvo, J. (1994). Debt covenant violation and manipulation of accruals. *Journal of Accounting and Economics*, 17, 145176-.
16. Jones, J. J. (1991). Earnings Management During Import Relief Investigations. *Journal of Accounting Research*, 29, 193228-.
17. Kothari, S. P., Leone, A. J., & Wasley, C. E. (2005). Performance matched discretionary accrual measures. *Journal of Accounting and Economics*, 39, 163197-.
18. Krishnan, G. V. (2003). Does Big 6 Auditor Industry Expertise Constrain Earnings Management? *Accounting Horizons*, 17, 116-.
19. Titman, S., & Trueman, B. (1986). Information quality and the valuation of new issues. *Journal of Accounting and Economics*, 8, 159172-.
20. Deangelo L.E., Auditor Size and Audit Quality, *Journal of Accounting and Economics*, 3(3), 1981, 183199-.
21. R. Chung, M. Firth and J.-B. Kim, "FCF Agency Costs, Earnings Management, and Investor Monitoring," *Corporate Ownership and Control*, Vol. 2, No. 4, 2005(a), pp. 5161-.
22. Li, D. (2007). "Auditor tenure and accounting conservatism." PhD Thesis, Georgia Institute of Technology.
23. Watts R.L. and J.L. Zimmerman. (1986). *Positive Accounting Theory*, Englewood Cliffs NJ. Prentice Hall Inc.
24. Davidson, R. A. and D. Neu (1993) "A Rote on Association Between Audit Firm Size and Audit Quality" *Contemporary Accounting Research*, Vol. 9, No. 2, pp. 479488-.